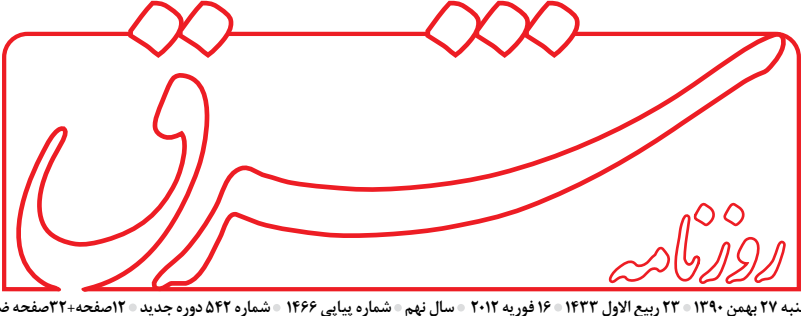




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان نشانی: میدان آرزاتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲
نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹
تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
امور مشترکین: تلفن: ۸۸۸۱۴۳۳-۲۲
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز
تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰
چاپ: نشر روزتاب
تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharghnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۲:۱۸ اذان مغرب ۱۸:۰۵ اذان صبح فردا ۵:۴۶ طلوع آفتاب ۶:۵۰

پنجشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۹۰ ۲۳ ربیع الاول ۱۴۳۳ ۱۶ فوریه ۲۰۱۲ سال نهم شماره پیاپی ۱۴۶۶ شماره ۵۴۲ دوره جدید ۱۲ صفحه۳۲صفحه ضمیمه



برگزاری مراسم یادبود پرویز رجبی

شرق: مراسم یادبود و بزرگداشت دکتر پرویز رجبی مورخ، پژوهشگر و نویسنده نامدار ایران صبح پنجشنبه برگزار خواهد شد. به دنبال برگزاری مراسم تشییع و خاکسپاری این پژوهشگر سترگ، مراسم یادبود او صبح پنجشنبه از ساعت ۱۰ تا ۱۲ در مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و با حضور اهالی فرهنگ و سخنرانی سید کاظم موسوی بجنوردی، کیانوش کیانی، روزبه زرین کوب و سام رجبی برگزار خواهد شد. لازم به ذکر است مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی در کاشانک، ابتدای دارآباد واقع شده است.



سفرنامه آبراهام

یخبندان!

پیمان مقدم

■ «ابراهیم رودریگز» ملقب به «آبراهام» تیره ونزوئلستا؛ که والدین ایرانی داشته. او سال‌ها زیر سایه تبلیغات سنگین ضدایرانی در آمریکا! تحصیل کرده اما براساس آنچه شنیده و خوانده همیشه در آرزوی بازگشت به وطن و دیدار خانه اجدادی بوده. یادداشت‌هایی که می‌خوانید روایت اوست از سفرش به ایران و آنچه به چشم می‌بیند...



ضیافتی که به بهانه ورود من به میهن برپا شده هنوز ادامه دارد. تازه‌ترین چیزی که فهمیدام این است که موبایل نقشی اساسی در زندگی هموطنان من دارد. دیده بودم که حتی در هنگام رانندگی هم دست از حرف زدن و حتی پیامک فرستادن در نمی‌دارند و اعتراض دیگر رانندگان به رفتار خطر آفرین خود را با «بووووووو» پاسخ می‌دهند. اینجا در میهمانی هم همه ضمن حرف زدن، همزمان حواسشان به تماس‌ها و پیامک‌ها هم هست. جالب است که وقتی آقایان حرف می‌زنند، خانم‌ها با حواس جمع متوجه می‌شوند و در پایان مکالمه یک سوال مشخص می‌پرسند: «کی بود؟» و آقایان یک جواب مشخص می‌دهند: «یکی از بچه‌ها بود.» ظاهراً همیشه یکی از بچه‌هایشان در میهمانی حضور ندارد و با تلفن در تماس است. وقتی خانم‌ها با تلفن حرف می‌زنند اما آقایان فقط تکران خود تلفن هستند، نه طرف مکالمه چرا که وقتی تماس تمام می‌شود با طرح این جملات که «باتری‌اش تریکد» یا «خبرارت پولدار شد»، واکنش نشان می‌دهند. عجیب‌ترین مساله در ایران ارسال کلی پیامک غیرضروری است. همواره یک عالمه لطیفه و جوک سیلسی و قومی و ورزشی و «بووووو»ی ر، د و بدل می‌شود. این همه تمسخر هموطن و جذابیتش برای سایر میهمن‌ها خیلی تلخ است. طرف با شکمی به سستی‌ری یک طبل و دماغی سه هیبت یک کوفته یک لطیفه را بلندبلند می‌خواند و هارها می‌خندند. من هم که همچنان محور تحولات هستم، همه از من درباره حال و روز چاوز می‌پرسند و اینکه چند همسر یا معشوقه دارد و کاشخ کجاست و ماشینش چیست و کاپشنش چه رنگی است و آیا مردم قبولش دارند یا نه. انگار من اوجوان مخصوص چاوز هستم. در ابتدای ضیافت همه سعی می‌کردند بفهمند که من چه‌کاره هستم و ازدواج کردم و تابعیت آمریکا را هم دارم یا نه. وقتی متوجه شدند که یک شغل معمولی دارم با درآمدی متوسط و تابعیت ونزوئالیی است، جای خود را به سکه و دلار و دربی تحویل دادم. طرفین فرمز و آبی کلی کلاه‌چمدن و شیت و نصرتی را به سمت هم شلیک کردند و درباره زنبور، سوسک و اعداد ۱۰ و ۴ و ۶ و حرفه‌هایی ززند که متوجه نمی‌شدم. یکی دیگر از حضار ناگهان خیلی جدی وارد بحث شد و گفت: «آقا! امسال عید احتمالاً باید برویم مازندران. قیمت تورهای نوروزی آمده. اروپا و استرالیا و آفریقای جنوبی که هیچ دیگر با این قیمت‌ها تا دویی هم نمی‌شود رفت.» محور بحث فوراً بازگشت به سمت دلار و قیمت‌های بالا...



کافه پیشنهاد

دو ورژن از شب و شهر

عسل عباسیان

هیجان‌انگیز باشد و نهایتاً بشود پیشنهاد فرزاد مومتن برای یک آخر هفته سینمایی. فرزاد مومتن از سینمای کلاسیک هم غافل نمی‌ماند و تماشای هر دو ورژن «شب و شهر» ژول داسن را که اتفاقاً خودش به‌طور تصادفی هر دو ورژن را در هفته گذشته تماشا کرده، پیشنهاد می‌کند. یکی ورژن انگلیسی که ورژن اولیه فیلم است و بعدی هم ورژن آمریکایی فیلم که برای پیش در آمریکا تدوین شده و موسیقی متفاوتی هم دارد؛ فیلمی بسیار اعجاب‌انگیز که هنوز هم به عقیده او از بهترین نوارهای تاریخ سینماست. پیشنهادهای کارن همایونفر برای موسیقی، خیلی مفصل بود که فعلاً یکی از آنها را به شما می‌گویم و از شما می‌خواهم تا برای خواندن باقی پیشنهادهای کافه ما باشید! کارن همایونفر که این روزها دیگر او را نه تنها به خاطر موسیقی- فیلم‌های ماندگارش بلکه به خاطر بازی فوق‌العاده‌اش در «اسب حیوان نجیبی است» عبدالرضا کاهانی هم در خاطر داریم، بسا اینکه خیلی اهل موسیقی پاپ نیست اما شما را به شنیدن آلبومی که «آرتور پیزار» پیانیست از مجموعه آثار دو آهنگساز بزرگ فرانسوی به نام‌های «اول» و «دبوسی» نوشته، دعوت می‌کند. اگر دوست دارید از باقی پیشنهادهای این موزیسین باخبر شوید، تنها یک هفته منتظر بمانید! پیشنهاد تئاتر رضا گوران را هم که پیش‌پیش، یکشنبه هفته قبسل خواندید. تا هفته بعد و کافه‌های دیگر، از خواندن و دیدن و شنیدن لذت ببرید.

درمبخش: توجه به عابر پیاده

احترام به حقوق شهروندی است

کلمبیز درمبخش گفت: درباختن به موضوع پیاده در فضاهای شهری با استفاده از زسان کاریکاتور، نوعی فرهنگسازي جديد از سوی شهرداری تهران است که می‌تواند موجب رفتار بهتر شهروندان شود. به گزارش روابط عمومی سازمان زیباسازی شهر تهران عضو هیات داوران مسابقه طراحی کاریکاتور «زندگی پیاده در شهر» گفت: توجه به فرهنگ پیاده در شهر تنها منوجه شهرداری نیست بلکه خود شهروندان نیز باید آن را رعایت کنند از سوی دیگر، مراجع قانونی هم باید برای برخورد با ناقضان حریم پیاده قیابانی وضع کنند. کلمبیز درمبخش، محمدعلی بنی‌اسدی و داوود شهیدی به عنوان اعضای هیات داوران، مسابقه کار یک‌ناتور زندگی پیاده در شهر را داور ی می‌کنند.



کافه نظر

اعلام وصول

شرق:به این وسیله اعلام می‌شود حجم انبوهی از ای‌میل‌ها، پیام‌های صوتی و کتبی شما مخاطبان عزیز به دست ما رسیده و می‌رسد. نظر‌هایی که در این صفحه منتشر می‌شود به نوعی نماینده نظرات مشابه است. درباره راهکارهای ایجاد توازن میان هزینه و درآمد روزنامه «شرق» که برای جلوگیری از تکرار، گزیده‌ای از این نظرات در ادامه می‌آید. نکته دیگر اینکه دست‌کم در یک روزنامه سستون مخاطبان از حالت کلیشه خارج شد و به صورت گزارشی همچون انبوه و انواع گزارش‌هایی که در روزنامه منتشر می‌شود منعکس شد. با اینکه از اخبار شنبه نه تنها ما، که هیچ پیشگویی خبر ندارد، شما مخاطب عزیز می‌توانید همچنان از طریق ایمیل sharghline@sharghnewspaper.ir و شماره تماس ۸۸۶۵۴۳۹۰ نظرات خود را بفرمایید.

باتشکر



سرایی

بهتر است کیفیت مطالب‌تان را کم نکنید. از نظر کیفیت کافذ زیاد مهم نیست که همه صفحات روزنامه رنگی، یا یک مقدار کیفیت آن پایین باشد. کسانی که روزنامه شما را می‌خوانند مطمئناً بیشتر به مطالب روزنامه توجه می‌کنند تا کیفیت کاغذ. اما از طرفی به دلیل تامین هزینه‌هایتان فکر می‌کنم اگر راهکار دوم را ملاک قرار دهید و روزنامه را در صدی گران‌تر بفروشید، کسانی که طرفدار روزنامه هستند و روزنامه را به عنوان یک مرجع مناسب انتخاب می‌کنند حتماً بابت این اطلاعاتی که به دست می‌آورند، حاضرند بپای بیشتری را بپردازند.

یک شهروند

لطفاً قشر متوسط جامعه را هم در نظر بگیرید و قیمت را بالا نبرید. اگر می‌خواهید صفحات را کم کنید یا کیفیت را پایین بیاورید ولی قیمت را زیاد نکنید. از ضمیمه روزهای شنبه و پنجشنبه صرف‌نظر کنید که یک مقدار در کاغذ صرفه‌جویی شود، یا اگر هم تمایل دارید فقط پنجشنبه‌ها این کار را انجام دهید و از شنبه‌ها صرف‌نظر کنید.

غلامرضا علیزاده

از نظر من صفحاتی مثل صفحات آتی و ورزش جهان اگر حذف شوند، بهتر است که در کاغذ روزنامه صرفه‌جویی می‌شود و می‌توان به این شکل هزینه‌های مرتب روزنامه را اصلاح کرد.

یک دانشجو

لطفاً قیمت روزنامه را افزایش ندهید و از راه‌های دیگری استفاده کنید. بنده سال‌هاست که روزنامه شرق را مطالعه می‌کنم ولی در صورت گران‌شدن فکر نکنم که بتوانم روزنامه را تهیه کنم.

یک مخاطب

تعداد صفحات را به ۱۲ برسانید اما پر محتوا و غنی. یک صفحه دایم هم به محیط زیست اختصاص دهید؛ زیست پیرامون ایران و جهان. ۱۱ صفحه بعدی با شما، یعنی خواندنی و متنوع.

وحدتی‌راد

مشکلات عدیده اقتصادی و بالا رفتن قیمت ارز، کمبود و گرانی عرض و مشکلات دیگر مجالی برای تنفس روزنامه‌های مستقل باقی نگذاشته اما این مشکلات فقط برای تولیدکننده خبر نیست بلکه خریدار هم با مشکلات اقتصادی فراوانی روبروست. حقوق سرانه ماهانه هر ایرانی به‌طور متوسط ۵۰۰ هزار تومان، در سال شش میلیون، اجاره خانه و... به کنار؛ حداقل ۳۰۰ هزار تومان برای روزنامه؟ پیشنهادها: ۱- تعداد صفحات روزنامه ۱۲ تا ۱۵ و صفحات داخلی در ایام هفته تقسیم و خلاصه شود. ۲- از کاغذ ارزان‌تر استفاده شود. ۳- عکس‌های کمتر استفاده شود (عکس را می‌شود از مجله و اینترنت مشاهده کرد) ۴- چاپ روزنامه سیاه و سفید شود. ۵- قیمت هم حداکثر ۶۰۰ شد. این اقدامات صورت گیرد تا بحران‌ها به پایان رسد، چون اکثر خوانندگان شرق را قشر متوسط جامعه تشکیل می‌دهند نه مرفه.

مازیار لشگری‌زاده

۱- حتماً شما باید خوانندگان خود را تشویق کنید که آونره روزنامه باشند. این یکی از راهکارهای تامین منابع مالی برای روزنامه است. ۲- شما در جذب آگهی خیلی ضعیف هستید و به‌طور جدی روی این قضیه کار نکرده‌اید. داشتن آگهی تجاری، مهم‌ترین منابع مالی برای روزنامه است.

عطیه، ب

برای من جذاب‌ترین بخش روزنامه در طول هفته اهل مسلمان صفحه یک بعد صفحه آخر و پنجشنبه‌ها گزینه سه می‌ش. ضمیمه در وهله اول پیشنهاد می‌کنم به صفحات مورد علاقه من خدشه‌ای وارد نشود، در مرحله بعد به شخصه باور دارم که افزایش قیمت تعداد خریداران را کم می‌کند. گران شدن روزنامه با اینکه حق مسلم شماس‌ت ولی حق مخاطب شما نیست. اگر تعداد صفحات را کم کنید به نظر منطقی‌تر است. امیدوارم هوس نکنید نسخه اینترنتی را بولی کنید یا اگر بولی می‌کنید (که این یک راه منطقی برای کمک خرج‌تون هست) خیلی گران نباشد چون یک‌شک مخاطبان دانشجو یولی مثل ما را از دست می‌دهید.

مجتبی نایب

فکر در یافت هزینه اینترنتی فکر خوبی است. تبلیغات اینترنتی روی سایت‌تان هم فکر بسیار بهتری است. البته به شرطی که هزینه اینترنتی ناچیز باشد چون به اندازه کافی پول گراف برای اینترنت می‌دهیم. طراحی سایت‌تان را هم عوض کنید و سرعت سایت شما خوب نیست.

محمدآراد جلالی‌زاده

از قدیم در خاقه ما رسم روزنامه‌خوانی همیشه بوده و هست و خواهد بود. من و جماعت مثل من که به جورایی با روزنامه زنده‌ایم و به فکر سکه و دلار خریدن و سرمایه‌دار شدن و اینها نیستیم، حتی از نون شبمون بزریم از روزنامه و شرق خواندنمان نمی‌زنیم. آب از سرمان گذشته. شش شرق عزیز ۱۰۰۰ تومان که سهله، ۵۰۰ تومان! که بشی ما باهاشیم رفیق! تولد اولین شماره ۱۰۰۰ تومانی با کمی بیشترت پیشاپیش مبارک!

سعیده محمدی

روزنامه‌خوانان فکری کنند و روزنامه‌نگاران را یاری کنند نه برای فروش بیشتر روزنامه شرق، بلکه برای زیاد کردن تعداد روزنامه‌خوانان. چند درصد از افرادی که در کنار ما زندگی می‌کنند روزنامه را می‌خرند و برای مطالعه‌اش وقت صرف می‌کنند؟ آنان که روزنامه می‌خرند و از خواندنش لذت می‌برند و می‌دانند دانسته‌های حاصل از مطالعه آن در ذهن حک می‌شود و قدرت تحلیل آدم را زیاد می‌کند و آنان که به روزنامه با چشمی غیر از وسیله شیشه پاک کردن نگاه می‌کنند و از خواندنش لذت می‌برند و فکر نمی‌کنند که پولشان را دور ریخته‌اند فکری برای بقای روزنامه‌نگاران خوب کنند. برای روزنامه خاص نه برای روزنامه خواندن تبلیغ کنند. به دیگری مطلبی تعارف کنند تا بخواند تا روحش با روزنامه آشنا شود و از غریبگی در آید. شاید او فردا به همین خاطر روزنامه‌ای خرید و خودش خواند و مطلبی را به دیگری تعارف کرد. این تبلیغ همان وسیله توست.